

حمام خون در فلوجه!

از تجاوز امپریالیست های امریکایی و متحدین شان به عراق و سقوط رژیم خودکامه و مستبد صدام تا ایندم، عراق و رویداد های اسف برانگیز آن، در صدر وقایع و اتفاقات روزمره جهانی قرار دارند؛ هیچ روزی نبوده است که در آن، از پیگرد و کشتار عراقیان توسط اشغالگران امپریالیست، از بمباردمان مناطق مسکونی که در آن، بسیاری از مردمان عادی و بیگناه کشته میشوند؛ از تهاجمات غافلگیرانه بر قوای اشغالگر بدست نیرو های مقاومت، از گروگان گیری های مشمئز کننده و دیگر عملیات انتحاری تروریست ها که همچنان از مردم عادی در کوچه و خیابان قربانی میگیرند، خبری و موضوعی در مطبوعات و دیگر وسایل ارتباط جمعی جهانی نبوده باشد.

بعضا برای سرکوب مخالفین که بنا به ادعای امریکایی ها، جمعی تروریست باید باشند، یک شهر با تمام ساکنین آن در معرض محاصره و سرکوب قرار میگیرد! محاصره و سرکوب فلوجه، سمره، رمادی، کربلا، نجف، موصل... و بازهم فلوجه، نمونه های گویایی از اعمال یک قهر ضد بشری و یک سیاست جنایتکارانه امپریالیستی را بازگو می دارند.

محاصره و سرکوب اخیر در فلوجه، نه آنچنان که اشغالگران امریکایی مدعی میباشند، جنگی بود برای سرکوب تروریست های اسلامی گرد آمده بدور زرقاوی تروریست اردنی، بلکه برعکس جنگی تمام عیار علیه قاطبه ساکنین بیگناه و بی دفاع یک شهر، که از کودکان تا زنان و مردان، و از پیر تا جوان، قربانیان آن میباشند!

هزاران هزار نیروی مهاجم امریکایی با همسویی سربازان دولت دست نشانده عراق که با مدرن ترین تجهیزات سنگین نظامی آماده شده بودند، از هر سمت و از زمین و آسمان بر مردم بی پناه فلوجه آتش گشودند؛ در این تهاجم گسترده که بلاخره به شکل جنگ خانه به خانه در هر کوچه و خیابان در آمده و برای روز های متوالی ادامه یافت، کوچکترین حرکت و تپش هر زنده جانی، با شدت و بربریت بی مانند، سرکوب گردید. با این وجود، این فقط زرقاوی تروریست و همراهانش بودند که، به اعتراف خود امریکایی ها، گویا توانستند زنده و سالم فرار نمایند؟! ولی فلوجه در عرض دو هفته، بمعنای واقعی کلمه به حمام خون مبدل گردید!!!

در همچو عملیات محاصره و سرکوب، به باور اشغالگران امپریالیست البته، وقوع تلفات در میان مردم عادی اجتناب ناپذیر میباشد، زیرا از یکطرف، تروریست ها آگاهانه در مناطق مسکونی و در میان مردم مأوا گزیده، و از سوی دیگر، در انظار این مهاجمین، بلاخره مردم عراق همه دارای قیافه ها و چهره های مشابه و یکسان میباشند! بنابراین نمی شود میان زرقاوی و غیر زرقاوی، تفاوتی تشخیص کرد!

نه خانه هاي مسكوني در فلوجه درامان ماندند، نه بیمارستان و نه مساجد؛ دشمن - اصطلاحی که امریکایی ها در عراق و افغانستان اشغالی، بر مخالفین شان اطلاق مینمایند! - هر دم و در هر جایی، باید بیدریغ مورد پیگرد، شکار و سرکوب قرار می گرفت.

در قتل عام مردم فلوجه، نه کنوانسیون بین المللی در خصوص اسرا و مجروحین جنگی رعایت شد، بطور مثال قتل اسیر زخمی عراقی بدست سرباز امریکایی که جهانیان همه، تصادفا تصویر زنده این صحنه را مشاهده نموده اند، و نه به میثاق جهانی حقوق بشر توجه ای! هیچ سازمان یا نهاد شناخته شده مثل صلیب سرخ بین المللی، جهت واریسی همچو مواردی، اجازه ورود به فلوجه را نداشت؛ هر آنچه در فلوجه اتفاق می افتاد، باید در هاله ای از ابهام و بدور از انظار عمومی جهانی باقی میماند!

رقم کشته شدگان فلوجه را خود امریکایی ها، بیش از دوهزار نفر محاسبه نمودند که همه باید مخالفین جنگی و تروریست بوده باشند که شانس نداشتند گویا همانند زرقاوی و یارانش از حلقه تنگ محاصره فرار نمایند! این رقم با توجه به کاربرد شیوه های سرکوب فلوجه از زمین و آسمان، و قساوت های مهاجمین اشغالگر، و با در نظر داشت نبود یک منبع مستقل خبر رسانی، به شدت مورد سوال میباشد. علاوه و از آنجاییکه کشته شدگان در فلوجه، نه آنچنان که امریکایی ها اذعان مینمایند، فقط محدود به تروریست ها و نیرو های مقاومت، بلکه تمامی مردم غیر نظامی در شهر را نیز شامل میگردد، بنابراین میشود حدس زد که رقم حقیقی بمراتب بیشتر از رقم اعلام شده توسط امریکایی ها باید باشد! چون گذشته از هزاران هزار ساکنین فلوجه که قبل از تهاجم، شهر را ترک نمودند، هنوز هم بیش از صد هزار از شهریان عادی در اثنای جنگ، در محاصره فلوجه قرار داشتند.

قتل عام مردم فلوجه، یکباردیگر بر جایگاه واقعی حقوق بشر در تئوری و عمل امپریالیستی تأکید نموده و بدینسان بازهم نمونه تازه و ماندگاری، بر تومار دور بدراز جنایت علیه بشریت توسط امپریالیست های امریکایی علاوه گردید!

کشتار دسته جمعی مردم فلوجه، ماجرای بود خونین و غم انگیز که جهانیان می بایست، صحنه های آنرا همه روزه، فقط با چشمان بهت زده و حیران، در صفحات تلویزیون مشاهده می نمودند!

نه سازمان ملل و شورای امنیتی وجود داشت که به این تراژیدی رسیدگی نماید، و نه هم هیچ کشور متمدن با رهبران گویا دموکرات و طرفدار حقوق بشر، لب به اعتراض گشودند!

هیچ کسی از آقای جورج دبلیو. بوش و سیاست بازان امپراتوری نوین امریکا نپرسید که مردم مظلوم و بی دفاع عراق به چه تعدادی باید هنوز کشته بدهند، تا عطش سیری ناپذیر برای نفت و عظمت طلبی امپریالیسم اشغالگر امریکا در منطقه و جهان بلاخره سیراب گردد؟! اگر نه دروغ های افتضاح آفرین آقایان بوش و بلیبرای تجاوز به عراق، و نه شعار های کذایی امپریالیست ها پیرامون حقوق بشر، آزادی، امنیت و دموکراسی... پس چه بهانه های دیگری میتوانند مطلقا، جنایات شان علیه بشریت و از جمله، قتل عام مردم فلوجه را توجیه نمایند؟!!

کشتار سیستماتیک یک ملت، غارت منابع، بخرک یکسان نمودن آبادی ها و ویرانی بنیان های اساسی زندگی... و بلاخره اجبار آن برای انقیاد و تسلیم را، نه به هیچ بهانه ای میشود توجیه نمود، و نه هم با هیچ زور، جبروت و جنایت بربرمنشانه ای عملی؛

تخریف واقعیت های عینی و قلب ماهیت مقاومت توده های مردم در برابر تجاوز، زورگویی و انقیاد، و انتساب این مقاومت کلا به جمعی از تروریست های اسلامی از درون و بیرون عراق، بخودی خود تلاشی است مذبحخانه و دروغی میباشد رسوا، که جریان رویداد های واقعی عراق بر آن مهر بطلان کوبیده، طوریکه تاریخ هم بر آن قضاوت خواهد نمود!

مبارزه ضد امپریالیستی، مقاومت در برابر اشغال و انقیاد و تحقق آرمان والای آزادی، یک حرکت شعوری و آگاهانه، و یک نهضت انقلابی ملی و مردمی میباشد، نه کار یک مجموعه تروریستی، آنچنان که اشغالگران امریکایی، برای قلب ماهیت مقاومت آزادیخواهانه مردم عراق و تخطئه آن، و به هدف گمراه نمودن اذهان عمومی جهانی، پیوسته تبلیغ می نمایند! این نه تروریست های اسلامی و نه پیروان بعثی صدام حسین، دیکتاتور مستبد و خون آشام عراق، بلکه خود توده های ستمدیده مردم این کشور هستند که برای آزادی، و در یک کلام برای حق تعیین سرنوشت خویش، آهنگ مقاومت نموده اند!

تقابل قوای اشغالگر و نیروی مقاومت آزادیخواهانه در عراق که در عالی ترین شکل آن، یعنی در یک مضاف خونین نظامی تجسم مییابد، نه منحصر به یک جماعت، یک قوم، و یک دیانت میگردد، و نه هم محدود به یک ناحیه، یک شهر و یک منطقه؛ این رویارویی جنگی، مظهر تخاصم خونین ملت عراق در مجموع، با اراده اشغالگر است که خیال واهی انقیاد شانرا در خود می پروراند!

از سوی دیگر، اگر خواست و آرمان والای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، و ضرورت مقاومت در برابر تهاجم و اشغال، حضور در سنگر نبرد رهایی بخش و آمادگی برای هر قربانی ای را اجتناب ناپذیر میسازد؛ لازمه پیشبرد پیروزمند همین مقاومت و کاهش در میزان تلفات احتمالی آن، عمیقا به گزینش سیاست ها و تاکتیک های حساب شده رزمی در تمامی عرصه ها بستگی می یابد، که مردم مقاوم عراق و همه رزمندگان راه آزادی، بلاخره بر زمینه همین کشتار عام در فلوجه، و درس های استخراجی از آن، باید بدان توجه نموده باشند!

بدون یک استراتژی همگانی، هماهنگ و رهگشا که نیروهای متفرق مقاومت را به گرد اهداف آنی، مقطعی و درازمدت نبرد آزادیبخش، بهم پیوند زده و بر ذهن و عمل شان، نظارت و کنترل داشته باشد، هر ایثار، جانبازی و مقاومت پرشور جنگی، نهایتا نه فقط بعلت نبود یک تعادل استراتژیک نظامی - سیاسی با دشمنان تا بدنان مسلح، سرکوب خواهد شد، که گذشته از همه، همین وقایع خونین خود فلوجه، بیان گویای آن میباشند!

اگر امپریالیست های اشغالگر، برای بدنام کردن مقاومت برحق ملت عراق و اغوای اذهان عامه جهانی، به دروغ، توطئه و تبلیغات عوامفریبانه متوسل شده، و این مقاومت را با استناد به ماجراجویی های تروریست های اسلامی مثل گروگانگیری، سربري و غیره، مهر تروریستی می زنند، جنبش مقاومت مردم عراق هم می باید با موضعگیری و اتخاذ یک

سیاست فعال تبلیغی و برقراری پیوند های عملی با متحدین انترناسیونالیستی شان در همه جا، واقعیت اوضاع و رویداد های عراق را همواره به اطلاع جهانیان رسانیده و بدینوسیله، مانع آن گردد که هم امپریالیست های اشغالگر، و هم تروریست های اسلامی و بعثی، مقاومت برحق و عادلانه شان را بدنام و قلب ماهیت نمایند. مبارزه و مقاومت آزادیخواهانه مردم عراق برحق است و بنابراین، بشریت متمدنی، صلح.ست و آزادیخواه جهان، در کنار مردم ستمدیده عراق ایستاده و از امر عادلانه شان حمایت می نمایند!

جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان

دسامبر 2004
